

خراسان برای نخستین بار، تصاویر برخی از آثار باستانی نویافته در «بازه هور» را منتشر می کند

دیدار باکتیبه‌های ساسانی در ۹۰ کیلومتری مشهد

گزارشی مبسوط از اکتشافات شگفت‌انگیز اخیر در منطقه رباطسفید که نشان از جایگاه مهم این منطقه در اعصار پیشین دارد و می تواند با همت مردم منطقه و عنایت مسئولان امر، به یکی از ظرفیت‌های مهم گردشگری خراسان تبدیل شود



نمایی از تنگه‌بازه هور در منطقه رباطسفید - قلعه دختر، بر فراز کوه سمت چپ قرار دارد

آن مهم‌تر، به عنوان تزئینات وماده اصلی خلق آثار هنری. من فکر می‌کنم این‌جا کانون اولیه شکل گرفتن هنر گچ کاری و گچ‌بری در خراسان بوده و این هنر، از این‌جا به نواحی شمالی‌تر، مانند منطقه بازه‌هور می‌گویی: «بازه هور و اطراف آن – یعنی در دوره ساسانی و حتی ادوار بعد از آن – یعنی دوره اسلامی – در مسیر یک راه بسیار مهم قرار داشته‌است. کوه‌های این منطقه که به نام بینالود شناخته می‌شود، در این محل یک برش طبیعی دارد که از قدیم، آن را به چشم یک مسیر راهبردی می‌نگریستند؛ راهی که نواحی شمالی را به قُستان، کرمان و سیستان متصل می‌کرد و به واقع باید آن را دروازه‌ورود به نیمه شمالی خراسان هارابه نام کوه‌های «دختر و پسر» می‌شناسند. این راجند سال قبل که بازدیدی از بازه‌هور داشتم، از زبان یکی از افراد محلی شنیدم: تنگه‌ای که میان این دو کوه قرار دارد، از هر نظر قابلیت تبدیل شدن به یک مسیر راهبردی راداشته و تسلط بر آن، باعث مسلط شدن بر مسیر مواصلاتی جنوب و شمال خراسان می‌شده‌است.

■ **گچ، گچ‌کاری، گچ‌بری و دیگر هیج!** اگر بشود یک شاخص را برای منطقه رباط سفید، پیش از آن که اطلاعات دیگری در باره آن داشته باشیم، در نظر بگیریم، وجود معادن گچ متعدد و فراوان است. برون‌زده‌ای گچی تقریباً در همه جا دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که گچ، اصلی‌ترین محصول برای فعالیت‌های عمرانی در رباط سفید و اطراف آن باشد. دکتر لباف این نظر را تأیید می‌کند و می‌گوید: «هنوز هم کارخانه‌های تولید گچ در این منطقه فعال هستند. در گذشته، این معادن منابع سرشار گچ را در اختیار ساکنان منطقه قرار می‌داد و به راحتی می‌توانستند از آن در کارهای عمرانی و معماری استفاده کنند. باید توجه داشته باشید که امکانات محیطی همیشه اولین و اصلی‌ترین تأثیر را بر نوع معماری و هنر یک منطقه می‌گذارد. این جاهم، در رباط سفید، مردم تا توانسته‌اند از گچ استفاده کردند؛ چه به عنوان ملات و چه به عنوان مصالح معماری و از

■ **این گنج‌ها را می‌روند!** سوالی به ذهنم می‌رسد که شاید طرح آن، در این شرایط چندان جالب نباشد، اما به نظرم پرسشی کلیدی است. پیدا شدن آثار تاریخی در یک منطقه، آن هم آثار دوره ایران باستان، و سوسه حفاری غیر مجاز و پیدا کردن گنج را به جان برخی آدم‌های بی‌فرهنگ و جریص می‌اندازد؛ آن گونه که دیگر رحم و مروت را کنار می‌گذارند و با تیشه و کلنگ، می‌افتنند به جان آثار تاریخی تا شاید از نَمَد آن‌ها، کلاهی برای خودشان



چشم‌انداز زیر فضای گنبد بنای بازه هور

نمایی از چهار طاقی تاریخی بازه هور

تاریخ

پنج شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲. شماره ۲۱۳۱۳. ۵ ربیع الاول ۱۴۴۵. ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳



دو نمونه از گچ بری‌های یافت شده در قلعه دختر که دارای کتیبه‌هایی به خط فارسی میانه از دوره ساسانی هستند

لباف بعد از شنیدن توضیحات د کتر جم، ادامه می‌دهد: «آقای کارلو چرتی، ایران شناس و استاد دانشگاه ژم با بررسی متن کتیبه به ما گفت که از این اصطلاح فقط برای معرفی آتش‌ها و آتشکده‌های اصلی استفاده می‌شده‌است.» با این صحبت‌ها، ما خودمان را در برابر یکی از رازهای نامکشوف در تاریخ ایران باستان یافتیم؛ آیا این‌ها گچ‌بری‌های متعلق به آتشکده مشهور «آذر بُرَین مهر» است؟ شاید اگر توضیح ندهم منظور از آتشکده‌های اصلی در دوره ساسانی چیست، برای برخی در ک اهمیت موضوع ساده نباشد. در دوره استیلای ساسانیان بر ایران، سه آتشکده به عنوان آتشکده‌های اصلی فعال بودند؛ «آذر فَرَنبَغ» یا «کاریان» که مخصوص موبدان بود و در فارس قرار داشت، آتشکده «آذر گشسب» در آذربایجان که به سپاهیان وفرمانروایان اختصاص یافته بود و آتشکده «آذر بُرَین مهر» در خراسان که به طبقه کشاورزان تعلق داشت. تا چندی پیش، این احتمال را می‌دادند که مکان آتشکده اخیر در منطقه ریوند باشد؛ اما طبق گفته دکتر لباف، به تازگی گروهی متشکل از باستان شناسان ایرانی و لهستانی، بعد از انجام کاوش‌های متعدد، به این نتیجه رسیدند که مکان مورد ادعا، محل قرار گرفتن آتشکده آذر برَین نیست. حالا ما در برابر کتیبه‌هایی قرار گرفته بودیم که نشانی هر چند مختصر از یک کشف بزرگ می‌داد. دکتر لباف آهی می‌کشد و می‌گوید: «کاش این گچ‌بری‌ها راجعین خُردنمی کردند تا بتوانیم دست کم چند خط بیشتر بخوانیم و بیشتر بدانیم!» او کتیبه دیگری را به ما نشان می‌دهد که محتوای آن، خبر از بازسازی آتشکده در اواخر دوره ساسانی می‌دهد؛ البته نام بانی این بازسازی که در متن کتیبه آمده، با ضربه کلنگ حفاران غیر مجاز و سارقان میراث فرهنگی، برای همیشه از تاریخ پاک شده‌است. دکتر لباف باز هم تأکید می‌کند: «باور کنبد پشت این گچ‌بری‌ها گنج نیست. ۹۰ سال است تمام این منطقه را کاوش می‌کنیم و در این مدت، حتی یک سکه هم پیدا نکرده‌ایم! آن چه این جاست، ارزش والایی دارد که قابل مبادله با پول نیست. این‌ها بخشی از هویت سرزمین ما و مردم این منطقه‌است و اگر به صورت درست نگهداری و معرفی شود، به عنوان یک شاخص بسیار مهم، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود وضعیت معیشتی مردم این ناحیه از طریق توسعه صنعت گردشگری خواهد داشت.»

■ **دیدار با چهار طاقی بازه هور** حالا وقت حرکت به سمت محوطه باستانی است. قرار است به قلعه دختر برویم و محل یافتن گچ‌بری‌ها و کتیبه‌ها را ببینیم، اما بر سر راه ما، بنایی تاریخی و شناخته شده قرار دارد که شاید خیلی‌ها آن را بشناسند، اما در باره‌اش چیزی نمی‌دانند؛ چهار طاقی تاریخی بازه هور. دکتر میثم لباف احتمالاً تنها باستان شناسی است که با دقت تمام طی کمتر از یک دهه، به کاوش‌های علمی در اطراف این بنا پرداخته و به همین دلیل، بیش از هر کسی صلاحیت صحبت در باره چهار طاقی بازه هور را دارد. وقتی به محل بنایمِ رسم، روایت را چنین آغاز می‌کند: «ما تقریباً از سال ۱۳۹۲ به کاوش در این منطقه پرداختیم. بسیاری از آن چه که در باره بنای بازه هور می‌گویند، وجه علمی ندارد. مثلاً برخی معتقدند این بنا، بنایی نجومی است که قطعاً چنین نیست. این بنا در ابتدا از چهار طرف محصور بوده و اصولاً نور خورشید یا ماه به داخل آن نمی‌رسید که قرار باشد کاربری نجومی داشته باشد. ورودی بنا از سمت جنوب شرقی و روبه‌روی کوه قلعه دختر بود. در بخش پشتی بنا، تالاری قرار داشت که مابقی‌ای ستون‌های سنگی آن را یافتیم. مسیر ورودی بنا هم، دالانی طولانی

■ **صعود از شیب ۸۰ درجه!** پایان راه ما، صعود از یک دیواره سنگی به ارتفاع ۱۵۰ متر، با شیب بیش از ۸۰ درجه، برای رسیدن به قلعه دختر است؛ یعنی همان جایی که قرار است اطلاعات یافت شده در آن، پرده از اسرار تاریخی بردارد. باز حمت و مرامت بسیار خودمان را از دیواره بالا می‌کشیم؛ البته این کار برای دکتر لباف و دوستانش خیلی ساده است! آن بالا اما صحنه دلچسپی نمی‌بینیم. حفاران غیر قانونی و سارقان میراث فرهنگی، دست به حفاری‌های غیر اصولی زده و خاک را زیر و رو کرده‌اند. کاش فقط مشکل در همین جا خاتمه می‌یافت؛ آن‌ها بالا بالا ای‌گری، بسیاری از قطعات گچ را تخریب کرده‌اند. دکتر لباف، محل قرار گرفتن آتشدان و برخی بقایای دیواره قلعه را نشان می‌دهد و با استادی توصیف می‌کند. او در باره جاده‌ای سنگی حرف می‌زند که روی ستیغ کوه و برای عبور و مرور ساخته شده بود؛ تا تأسیساتی که جز برای یک بنای مهم ایجاد نمی‌شده. اصل بنای قلعه از آجر بوده‌است؛ در ست مانند دیگر آتشکده‌های اصلی در عهد ساسانی. دکتر لباف توضیح داد که از این بنا، تا دوره سامانیان، یعنی قرن سوم و چهارم استفاده می‌شد؛ هر چند که ظاهر در این دوره دیگر کاربری آتشکده نداشت. طی دوره‌های بعد، حوادث متعدد و به ویژه زلزله‌ای مهیب که آثارش هنوز به چشم می‌آید، باقی‌مانده این بنای تاریخی را از بین برد و به این ترتیب، اسرار زیادی در پشت پرده ابهام باقی ماند. امیدواریم روزی با همت علاقه‌مندان به فرهنگ ایرانی، رازها کشف شود و در معرض دید عموم قرار گیرد و نیز، آرزو مندیم که با توجه مسئولان و همت مردم منطقه، این ظرفیت بالقوه گردشگری، به صورت بالفعل در آید و شکوفایی اقتصادی پایداری را برای اهالی رباط سفید و مناطق اطراف به ارمغان آورد؛ ان شاء....

دکتر میثم لباف: باور کنید پشت این گچ‌بری‌ها گنج نیست. ما ۹ سال است تمام این منطقه را کاوش می‌کنیم و در این مدت، حتی یک سکه هم پیدا نکرده‌ایم! آن چه این جاست، ارزش والایی دارد که قابل مبادله با پول نیست. این‌ها بخشی از هویت سرزمین ما و مردم این منطقه‌است



عکس ها: جواد نوازیان و نوید تفرشی